

بوسه خندا

لحمق باختمک

۲

موزهی گربه‌ها

هوپا
Hoopa



لحمق بانگ

۲

موزهی گربه‌ها



فَنی ژلی

تصویرگر: رونان بَدل

مترجم: بیاتا ترابی

سرشناسه: ژولی، فانی، ۱۹۵۵-م.
Joly, Fanny

عنوان و نام پدیدآور: موزه‌ی گریه‌ها/ فنی ژولی؛ تصویرگر رونان بادل؛ مترجم بیتا ترابی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص: مصور.

فروست: احمدق بانمک: ۲.

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۴۰۶-۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۴۰۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Cucu la praline.

موضوع: داستان‌های نوجوانان فرانسه- قرن ۲۱م.

موضوع: Young adult fiction, French- 21st century

شناسه افزوده: بادل، رونان، تصویرگر

شناسه افزوده: Badel, Ronan

شناسه افزوده: ترابی، بیتا، مترجم

رده بندی کنگره: PQ۲۴۷۰

رده بندی دیویی: ۱۴ [۸۴۳۹ ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۹۸۲

احمق بانمک ۲

موزه‌ی گریه‌ها

نویسنده: فنی ژولی

تصویرگر: رونان بادل

مترجم: بیتا ترابی

ویراستار: خاطره کردکریبی

مدیرهنری: علی بخشی

طراح گرافیک جلد: سحر احدی

طراح گرافیک متن: آزاده توماج‌نیا

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۴۰۶-۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۴۰۸-۴



هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

◀ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر
هوپا محفوظ است.

◀ استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و
معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir info@hoopa.ir



Original title: Cucu la praline est en pleine forme
the text and the illustrations © Gallimard Jeunesse,
2011.

Persian Translation © Houppaa Publication, 2022

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر
اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را
در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Gallimard،
خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، **فنی ژلی** و ناشر
آن، **گالیمار**، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در
ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش،
سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت
کرده است.

اگر هر ناشری غیر از **هوپا**، این کتاب را به زبان
فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه
و رضایت **فنی ژلی** این کار را کرده است.



خوب به این آدمها نگاه کنید توأمشان در ماجراهای این داستان هستند...

کوبین تروف که
هم مدرسه ای
آنزل است.



آنزل شامبر که او را احق
بانمک صدا می کنند.



مامان بزرگ



ویکتور و ژان ماکسیم برادرهای آنزل اند.



بابا

مامان

فهرست

۱. فخر ناند

۱۳	فصل ۱: کیف دستی صورتی
۲۱	فصل ۲: چرخه
۲۹	فصل ۳: هاپ هاپ!
۳۹	فصل ۴: چرخه ی آتش

۲. درد سر کلاغ‌ها

۴۷	فصل ۱: شلیک به هدف
۵۵	فصل ۲: ترس از جامداری
۶۱	فصل ۳: رمزگشایی
۶۷	فصل ۴: سرد و گرم

۳. شاهزاده با قیافه‌ی مبدل

۸۳	فصل ۱: غافل‌گیری‌ها
۹۱	فصل ۲: پرنسس احمق
۱۰۱	فصل ۳: آه ای شیفتگی
۱۰۷	فصل ۴: نسخه‌ی اصلی

۱. فریاد





فصل اول: کیفیت دوستی صورتی

همه چیز از یک چهارشنبه‌ی ماه نوامبر شروع شد. یک عالمه برگ خشک در باغچه بود و مامان گفته بود بروم برگ‌ها را از توی باغچه جمع کنم، من هم رفتم توی باغچه و الکی نشان دادم که دارم همین کار را می‌کنم! البته مامان خواسته بود واقعاً جمعشان کنم، ولی خب من اصلاً از جمع کردن برگ‌ها خوشم نمی‌آید... تقریباً به همان اندازه که دوست ندارم برادرهایم «احمق بانمک» صدایم کنند. من حتی درباره‌ی این موضوع

کتابی هم نوشته‌ام. اگر وقت دارید بخوانیدش، آن وقت همه چیز را درمورد من می‌فهمید، یا شاید هم همه چیز را نفهمید، اما تقریباً چیزهای زیادی را می‌فهمید...

خلاصه بگویم: اسم من آنژل شامبر است، ۸ سال دارم و دخترک موبور مهربانی هستم، اما وای به حال کسانی که اذیتم کنند...

درحالی‌که داشتم توی باغچه شن‌کش (جارو) را تکان می‌دادم، خیابان پنگوئن‌ها^۱ (همان خیابانی است که خانه‌ی ما آنجاست، پلاک ۲۷) را هم نگاه می‌کردم. ساعت یک ربع به سه بود: دقیقاً همان ساعتی که مهربان‌ترین شاگرد مدرسه از جلوی خانه‌ی ما رد می‌شود تا برای یادگرفتن ویولن به خانه‌ی خاله‌اش در خیابان پاتاکلو^۲ برود. این پسر همان کوین تروف است. ویکتور و ژان ماکسیم، برادرهای بزرگم، می‌گویند من آرزو دارم مثل او توی مدرسه مورد توجه بقیه باشم. من برایشان قسم خوردم که این طور نیست، اما معلوم است که دوست دارم!

چطور می‌شود دلت نخواهد به جای پسری به مؤدبی، مرتبی و درس‌خوانی کوین باشی؟

1. Pingouins

2. Pataclou

تازه همیشه هم موهایش تمیز است. برادرهایم انگشت
کوچک‌های او هم نمی‌شوند.
خلاصه.

در ساعت ۱۴ و ۵۱ دقیقه و ۱۷ ثانیه (ساعت مچی جدیدم
عقربه‌ی ثانیه‌شمار دارد، واقعاً محشر است!) صدای سوت به
گوشم رسید! کسی داشت ته خیابان سوت می‌زد... کومین؟ از
بالای پرچین‌ها نگاه کردم. آره! خودش بود! مثل همیشه داشت



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب های خور دنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین المللی، از کاغذ مرغوب با زمینه ی کرم استفاده می کند؛ زیرا:
■ این کاغذ نور را کمتر منعکس می کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می شود؛
■ این کاغذ سبک تر از کاغذهای دیگر است و جابه جایی کتاب های تهیه شده با آن، آسان تر است؛
■ و مهم تر از همه اینکه برای تولید این کاغذ درخت کمتری قطع می شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم تر